

## درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷

موضوع کلی: قاعده حرمت اهانت به مقدسات

مصادف با: ۲۱ شعبان ۱۴۳۹

موضوع جزئی: ادله قاعده\_ دلیل هفتم (روایات)

جلسه: ۱۵

### ﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در دلیل هفتم از ادله قاعده (روایات) بود، عرض کردیم به دو طائفه از روایات برای حرمت اهانت به مقدسات استناد شده است، طایفه اولی روایات عامه بود، روایاتی که به نحو مطلق دلالت بر حرمت اهانت به مقدسات عند کل قوم داشت، فی الجمله این بخش از دلیل مورد قبول واقع شد.

#### طایفه دوم: روایات خاصه

طایفه دوم طایفه روایاتی است که در موارد خاص وارد شده و عناوینی را ذکر کرده که اهانت به آنها جایز نیست، عناوینی که در این روایات ذکر شده اند همه عناوینی هستند که از مقدسات دینی به حساب می آیند، لذا این طایفه از روایات دلالت بر حرمت اهانت به مطلق مقدسات عند کل قوم ندارد، بلکه از آنها می توان استفاده کرد که اهانت به مقدسات دینی و آنچه که به عنوان حرمت الله شناخته می شود، جایز نیست.

به علاوه این روایات ضمن اینکه دلیل محسوب می شود در عین حال تطبیقات این قاعده هم محسوب می شوند، چند نمونه از روایات را می خوانیم.

#### روایت اول

یکی از مواردی که در برخی روایات مورد اشاره قرار گرفته، اهانت به کعبه است. طبق برخی از روایات تلویت کعبه به یکی از نجاسات عینیه عمداً، بدون اکراه و اجبار و مرض و اضطرار حرام است و بعید نیست این عمل به عنوان کفر و انکار خداوند تبارک و تعالی شناخته شود:

روایت از ابی الصباح کنانی است: « قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّمَا أَفْضَلُ الْإِيْمَانُ أَوْ الْإِسْلَامُ - إِلَى أَنْ قَالَ: - فَقَالَ (ع) الْإِيْمَانُ » (البته در برخی از نسخه ها «الایمان الرفع من الاسلام» دارد)، ابی الصباح می گوید من به امام صادق (ع) عرض کردم: ایمان یا اسلام کدامیک برتر هستند، تا اینکه به اینجا رسید که فرمود ایمان بلند مرتبه تر از اسلام است، « قَالَ قُلْتُ: فَأَوْجِدُنِي ذَلِكَ قَالَ (ع): مَا تَقُولُ فِيمَنْ أَحَدَتْ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مُتَعَمِّدًا » امام از ابی الصباح سوال می کند که چه می گویی در مورد کسی که در مسجد الحرام عمداً محدث شود؟ « قَالَ قُلْتُ: يُضْرَبُ ضَرْبًا شَدِيدًا » شدیداً مورد ضرب قرار می گیرد، « قَالَ (ع): أَصَبْتَ » درست گفتم، « فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ أَحَدَتْ فِي الْكَعْبَةِ مُتَعَمِّدًا » در مورد کسی که در خود

کعبه متعمدا احداث نجاست کند چه می‌گویی؟ «قُلْتُ يُقْتَلُ» گفتم که کشته می‌شود، «قَالَ (ع): أَصَبْتَ»، درست گفتمی، این هم درست است، در ادامه امام می‌فرماید «أَلَا تَرَى أَنَّ الْكَعْبَةَ أَفْضَلُ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَدِيثِ»<sup>۱</sup>.  
طبق این روایت با توجه به مجازاتی که برای اهانت و تلویت مسجد الحرام و کعبه بیان شده، به راحتی می‌توانیم استفاده کنیم که اهانت به کعبه جایز نیست و حرمت اهانت قابل استفاده است.

#### روایت دوم

روایت دوم در مورد اهانت به رسول خدا (ص) است.

«أَنَّهُ سُئِلَ عَمَّنْ شَتَّمَ رَسُولَ اللَّهِ ص - فَقَالَ (ع): يَقْتُلُهُ الْأَذْنَى فَاَلْأَذْنَى قَبْلَ أَنْ يُرْفَعَ إِلَى الْإِمَامِ»<sup>۲</sup>

سوال از کسی است که شتم می‌کند رسول خدا را، امام (ع) می‌فرماید: کمتر از آن باعث کشته شدن می‌شود، کمتر از آن و پس کمتر از آن قبل از آنکه امر به امام برسد و ارجاع شود.

این هم به وضوح بر عدم جواز اهانت و شتم به رسول خدا دلالت می‌کند، چون می‌فرماید پایین‌تر از این مجازات آن کشته شدن است.

#### روایت سوم

روایت سوم در مورد سوء الادب مع الله تعالی، درباره سوء ادب و اسائه ادب به خداوند تبارک و تعالی است.

«عن ابن ابی یعفر عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: جاء رجل إلى النبی (صلی الله علیه واله) فقال: یا رسول الله انی سألت رجلاً بوجه الله، فضربني خمسة اسواط، فضربه النبی (صلی الله علیه وآله) خمسة اخرى وقال: سل بوجهک اللئیم»<sup>۳</sup>

در این روایت آمده که کسی خدمت رسول خدا (ص) آمده و می‌گوید از مردی درخواست کردم و او به وجهه الله سوگند دادم، او هم به من پنج ضربه تازیانه زد، رسول خدا هم پنج تازیانه دیگر به او نواخت و فرمود «سل بوجهک اللئیم» این حاکی از این است که این کار او اسائه ادب به ساحت قدسی حق تعالی بوده است. نوع مجازات‌هایی که برای این رفتارها بیان شده حاکی از این است که این عمل حرام است.

#### روایت چهارم

روایت چهارم مربوط به اهانت به مسجد است و آن اینکه قصه‌گو مسجد را محلی برای قصه قرار دهد.

«عن هشام بن سالم، عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: إنَّ أمير المؤمنين (علیه السلام) رأى قاصاً فی المسجد، فضربه بالدرّة وطرده»<sup>۴</sup>

امام صادق (ع) می‌فرماید: امیرالمؤمنین یک قصه‌گویی را در مسجد دید و او را با تازیانه زد و بیرون کرد.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۱، ح ۴ / وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۶۸، باب ۶ از ابواب بقیة الحدود و تعزیرات، ح ۱.  
۲. کافی، ج ۷، ص ۲۵۹، ح ۲۱ / تهذیب، ج ۱۰، ص ۱۴۱، ج ۵۶۰ / وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۳۷، باب ۷ از ابواب حد المرتد، ح ۱.  
۳. کافی، ج ۷، ص ۲۶۳، ح ۱۸ / تهذیب، ج ۱۰، ص ۱۴۹، ح ۵۹۴ / وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۶۶، باب ۲ از ابواب بقیة الحدود و التعزیرات، ح ۱.  
۴. کافی ج ۷، ص ۲۶۳، ح ۲۱ / وسائل، ج ۲۸، ص ۳۶۷، باب ۴ از ابواب بقیة الحدود و التعزیرات، ح ۱.

اولا معلوم است که نفس قصه گویی اهانت نیست، یعنی اگر کسی قصه پیامبران را بگوید اهانت محسوب نمی‌شود، بلکه منظور آن قصه‌هایی بوده که متضمن اباطیل و اراجیف و مطالب شرک‌آمیز بوده و به نوعی این قصه‌گویی‌ها در مسجد کآن اهانت به مسجد تلقی می‌شده است، بعضی از این روایات استفاده می‌کنند که هر نوع قصه‌گویی و شعر خوانی در مسجد حرام است. در حالی که امام (ع) این امر را به عنوان کاری که اهانت در مسجد در آن نهفته بوده است، با آن برخورد کرده است.

پس منظور مطلق قصه و بیان سرگذشت از هر کسی نیست، بلکه منصرف به کسانی است که مطالب و قصه‌هایی که می‌گفتند قصه‌هایی بوده که مشتمل بر اباطیل و شرک و خرافات بوده است و مردم را از مسیر حق باز می‌داشته است. سوال: شاید این به جهت نفس این عمل بوده نه وقوع آن در مسجد.

هر چند محتمل است این برخورد به خاطر نفس این عمل باشد، یعنی حتی اگر خارج از مسجد هم بود چنین رفتاری صورت می‌گرفت، ولی باید توجه داشت که حتی اگر این کار خارج از مسجد هم اشکال داشته باشد، قهرا وقوع آن در مسجد می‌تواند توهین و اهانت به مسجد تلقی شود، این‌جا دو کار انجام گرفته است، یکی ضرب و دیگری طرد، ضرب می‌تواند خارج از مسجد هم صورت بگیرد، اگر صرف ضرب بود می‌گفتیم به نوعی دارد به خاطر این عمل (فارغ از اینکه در مسجد باشد یا غیر مسجد) او را مورد ضرب قرار دهد، ولی طرد و اخراج و بیرون کردن او از مسجد در واقع می‌تواند حاکی از این باشد که این عمل، عملی مناسب با این مکان نیست، یعنی کآن وقوع چنین کاری در مسجد اهانت و توهین به مسجد محسوب می‌شود.

سوال:

استاد: اگر فعلی فی نفس اشکال داشته باشد، وقوع آن در مسجد مشکل را مضاعف کند، اگر هم بگوییم ضرب به خاطر این فعل است و طرد بخاطر وقوع آن در مسجد است این چه اشکالی دارد؟

آنچه در اینجا در روایت دارد این است که او را از مسجد بیرون انداخته است، یعنی کآن فاعل چنین فعلی نباید در مسجد باشد، به اعتبار اینکه این کار در مسجد جایز نیست. یعنی این عمل ولو خارج از مسجد هم اشکال داشته باشد، اما کآن وقوع این عمل در مسجد ناپسند بودن آن را بیشتر می‌کند، چون مناسب این ظرف نیست، یعنی کآن عمل او اهانت به این ظرف است، اینکه در مسجد این کار را کرده و حضرت او را از مسجد بیرون کرده است، فهم عرفی هم این را تایید می‌کند که کآن این کار او مناسب شأن مسجد نبوده و یک توهین است، مثلا دست زدن در مجالس مذهبی و مساجد و ...، بعضی می‌گویند این توهین به مسجد و محراب است، این یک چیز عرفی است، ما می‌خواهیم بگوییم اتفاقاً این نوع برخورد امیرالمؤمنین با او نشان می‌دهد که کآن این کار مناسب شأن مسجد نیست و دون شأن مسجد است. اگر با کسی یا چیزی مطابق شأن او برخورد نشود توهین تلقی می‌شود، این هم مطابق شأن برخورد نکرده و لذا توهین محسوب شده است.

### روایت پنجم

روایت پنجم در مورد اهانت به اموات مؤمنین است. در این رابطه چند روایت وارد شده که البته منحصر به اموات مؤمنین نیست و شامل احياء هم می‌شود.

«عن صفوان قال: قال ابو عبدالله (عليه السلام) ابي الله ان يظن بالمؤمن الا خيرا وكسرک عظامه حيا وميتا سواء.»<sup>۱</sup> خداوند تبارک و تعالی ابا دارد از اینکه به مؤمن جز به خیر ظن و گمان برده شود و شکستن استخوان او حیاً و میتاً یکسان است، یعنی کأن مرده مؤمن هم با اینکه بی جان است و یک جسم است و روح ندارد، محترم است لذا اگر کسی استخوان جسد یک مؤمنی را بشکند مثل این است که با زنده او چنین برخوردی کرده است، بر این اساس احترام و تکریم مؤمن چه در حال حیات و چه در حال ممات لازم است و خداوند تبارک و تعالی نمی‌پسندد به اینکه به مؤمن اهانت شود، چه زنده و چه مرده.

سوال:

استاد: ظاهراً کسر عظام به معنای حقیقی خود است ولی یک احتمال هم این است که شما می‌فرمایید، یعنی در حقیقت این در ادامه بحث از سوء ظن است که منع می‌کند و هر کدام که باشد و هر دو احتمال هم داده شود برای بحث ما مناسب است.

### روایت ششم

«عن رجل كسر عظم ميت قال(ع): حرمة ميتاً اعظم من حرمة وهو حي»<sup>۲</sup>

اینجا دیگر آن احتمالی که شما می‌فرمایید منتفی است چون سوال از شکستن استخوان میت است، امام(ع) هم می‌فرماید «حرمة ميتاً اعظم من حرمة وهو حي»، حرمت مؤمن در حال ممات بیشتر از حرمت او در حال حیات است، این هم دال بر این است که اهانت به اموات مؤمنین جایز نیست.

از این قبیل روایات که از اهانت به یکی از مقدسات، منع کرده‌اند زیاد داریم، ما در ابتداء بحث در مورد مفردات و واژه‌های این قاعده صحبت کردیم، در مورد مقدسات هم سخن به میان آمد و موارد و مصادیقی برای مقدسات ذکر شد، به هر حال آنچه که در شریعت به عنوان حرمت الله یا مقدس شناخته می‌شود، (با تفاوتی که بین دو عنوان حرمت الله و مقدس است)، بسیار زیاد است و در همه اینها از اهانت و اسائه ادب و هتک و شتم و سب و آنچه که در محدوده شریعت به عنوان مقدس شمرده می‌شود منع شده است.

قهرآ وقتی اموری در ابواب کثیر فقهی به مناسبت‌های مختلف از آنها سخن به میان می‌آید و در همه اینها به نوعی اهانت و سب و هتک نسبت به این امور نا صحیح و حرام معرفی می‌شود، ما می‌توانیم استفاده کنیم که وجه مشترک همه این امور این است که اینها از مقدسات و محترمات است، لسان روایات حاکی است که همه اینها از مقدسات و محترمات

۱. تهذیب، ج ۱۰، ص ۲۷۲، ح ۱۰۶۷ / استبصار، ج ۴، ص ۲۹۷، ح ۱۱۱۵ / وسائل، ج ۲۹، ص ۳۲۹، باب ۲۵ از ابواب دیات الاعضاء، ح ۴.  
۲. تهذیب، ج ۱۰، ص ۲۷۲، ح ۱۰۶۸ / استبصار، ج ۴، ص ۲۹۷، ح ۱۱۱۶ / وسائل، ج ۲۹، ص ۳۲۹، باب ۲۵ از ابواب دیات الاعضاء، ح ۵.

است و در همه اینها اهانت حرام دانسته شده است، با وجود گستردگی این عناوین در ابواب فقهی و این وجه اشتراک و حکم به عدم جواز، ما دیگر نمی‌توانیم بگوییم فقط بر همین امور اکتفا کنیم، چون یک مورد نیست، امور کثیره و متعددی است، و لذا با توجه به کثرت و گستردگی این امور و توزیع آن در ابواب مختلف فقهی، این می‌تواند ما را راهنمایی کند به عدم جواز اهانت به مقدسات، ما اصلاً مقدسات و محترمت را از کجا بدست آوردیم؟ محترم آن است که هتک آن جایز نیست، مقدس یعنی آن چیزی که باید گرامی داشته شود و منزه شمرده شود، ما وقتی می‌بینیم در ابواب مختلف فقهی، احياء و اموات مؤمنین، مسجد، پیامبر و کعبه و خدا، هتک هیچکدام جایز نیست و همه آنها مقدس هستند، کاملاً واضح است که بتوانیم عدم جواز هتک مقدسات را نتیجه بگیریم.

روشن است که این طایفه از روایات فقط حرمت اهانت به مقدسات دینی و حرمت الله را ثابت می‌کند، و بر حرمت مقدسات عند کل قوم دیگر دلالتی ندارد و ما نمی‌توانیم حرمت اهانت به مقدسات سایر اقوام را استفاده کنیم.

### **نتیجه کلی:**

با توجه به مجموع آنچه گفته شد می‌توان گفت: فی الجمله ادلة دلالت بر اصل حرمت اهانت به مقدسات دارد و به علاوه گستره آن شامل همه مقدسات نزد همه انسان‌ها می‌شود. البته قطعاً مواردی استثنا شده که هم موارد و هم وجه استثنا قبلاً بیان شده است.

«والحمد لله رب العالمین»